

انواع حقوق شهروندی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

رضا اسماعیلی*

مقدمه

شده بود، مفهوم شهروند به عنوان تبعه بود و کمتر از حق و حقوق جامعه سخنی مطرح می شد.

در عرف عصر قاجار سربازگیری به عنوان یک وظیفه عمومی بود که با تبعیض اجرا می شد. در عصر رضا شاه پهلوی قانونگذاران «خدمت و وظیفه عمومی» را به عنوان یک تکلیف در سرتاسر مملکت نهادینه می کنند، اما معادل آن قانونی نداریم که بگوید «حق عمومی» هر مرد یا زن ایرانی چیست؟

واژه شهروند در ادبیات ما واژه‌ای تازه و نو است به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین و عمید مطرح نشده است. در فرهنگ‌های دوزبانه کلمه Citizen (شهروند) به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت و شهرنشین و کسی که از خدمت لشکری آزاد باشد، تعریف شده است.

ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه «شهروند» را در خود جای داده است فرهنگ فارسی امروز^۱ است در این فرهنگ «شهروند» چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد».

ارسطو در رابطه با ماهیت شهروندی یونانی سه کلید راهنما در اختیار ما گذاشته است:

۱- نخست آنکه با واکنش به برداشتهای متنوع از مفهوم شهروندی، اعلام داشته است که ماهیت شهروندی موضوعی است که غالباً محل بحث و جدل بوده و توافق عمومی بر سر تعریف واحد از آن وجود ندارد.

اگر حقوق را در مجموع قواعد و مقررات لازم‌الاجرای بدانیم که بر روابط افراد یک جامعه حاکم است با ملاحظه نوع رابطه می توانیم دو گونه حقوق خصوصی و عمومی را از یکدیگر تفکیک کنیم. هنگامی که از روابط اجتماعی سخن به میان می آوریم و روابط افراد را با دولت و عناصر حکومت مورد توجه قرار می دهیم به مبحث حقوق اساسی پرداخته ایم. منابع حقوق اساسی مشتمل است بر قانون اساسی، قوانین عادی (عرف) فرامین رهبران یا رهبر حکومت، رویه قضایی، نظامنامه‌های داخلی مجلس قانونگذاری، نظریات علمای حقوق و مراجعه به آرای عمومی (همه پرسی - رفراندوم). هنگامی که از شهروند و حقوق او سخن به میان می آوریم مراد ما مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است.

شهروند ترجمه واژه Citizen می باشد. این اصطلاح در ادبیات سیاسی و حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می شد. به قول سعدی:

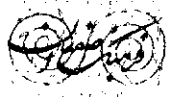
اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی

برآوردن غلامان او درخت از بیخ به عبارت دیگر در سلسله مراتب نظام اجتماعی، مردم رعیت پادشاه و تابع و فرمانبردار او تلقی می شدند. بعد از مشروطیت حتی پس از تصویب قانون مدنی، افراد جامعه ایرانی از دیدگاه حقوق، تبعه دولت ایران معرفی می شدند یعنی ایرانیان به عنوان تبعه باید تابع دولت متبوع خود باشند.

در جامعه ایران آنچه که در گذشته بیشتر بر آن تأکید

* پژوهشگر مسائل فرهنگی و اجتماعی

۱- فرهنگ فارسی امروز، تهران، نشر کلمه، ۱۳۷۳.



۲- شهروندان، همه کسانی به حساب می‌آیند که در زندگی مدنی و شهری به‌طور چرخشی و نوبتی می‌توانند در حکم‌راندن و اطاعت کردن شریک و سهیم باشند.

۳- چنین نظام حکومتی چرخشی و نوبتی در جامعه‌ای آن اندازه کوچک مفروض است که تمامی شهروندان قادر به آگاه شدن از ویژگیهای یکدیگرند.

آنچه که در بحث ارسطو اهمیتی بنیادین دارد و تا به امروز به‌عنوان اساس و محور همه مباحث شهروندی استوار باقی مانده است، فرض امکان چرخشی و نوبتی بودن حکم‌راندن است، بدین معنا که حداقل از دیدگاه نظری یا در اصول، شهروند صاحب حقوق می‌تواند و حق دارد برای کسب حاکمیت تلاش کند و البته باید بپذیرد که دیگران صاحب حق نیز می‌توانند برای تصرف حاکمیت و جانشینی او بکوشند به طوری که گفته‌اند: «هر کسی چند روزه نوبت اوست».^۲

مفهوم شهروندی در بعد اجتماعی (CitizenShip) ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شده و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. قبول حقوق و وظایف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی بنیاد اصلی و ایده‌آسی این مفهوم است. بعدها برخورداری از حداقل رفاه، مانند حق داشتن سرپناه و حداقل معیشت و نظایر آن به حقوق شهروندان اضافه شده و در پیوستار زمان مفهوم «شهروند اجتماعی» سر بر آورده است. هویت سیاسی، وفاداری به قلمرو جغرافیای سیاسی، احترام به قانون، توجه دقیق به حقوق دیگران و آگاه بودن از امتیازات و منزلت خویش و بالاخره گردن نهادن به وظایفی که ناشی از شهروندی و برخورداری از حقوق شهروندی است که مفهوم شهروند به معنای امروزی را پدید آورده است.^۳

مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزو مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی درهم آمیخته است و به شدت از نحوه نگاه معطوف به استعداد انسان بلوغ یافته، تواناییهای وی و چگونگی شرکت دادن و سهیم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی - اجتماعی متأثر است.^۴

در نظام شهروندی طبعاً شخص دارای حقوقی فرض شده است و در مقابل این حقوق، وظایف و مسؤولیت‌هایی

۲- پرویز پیران، مقاله شهر، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

۱۳۷۶، ص ۴۷.

۳- همان، ص ۴۸.

۴- حاتم قادری، مقاله شهر، پیام آبادگران، ش ۹، ص ۴۶.

اصل بیست و دوم: حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در یکی از آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم: هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حق است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی و یکم: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل چهل و ششم: هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار از دیگری را سلب کند.

اصل چهل و هفتم: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

نیز پذیرفته است و تبعیت از الگوهای رفتاری خاصی نیز از او انتظار می‌رود که نشانه جایگاه والای شهروندی است به علاوه آن که از لحاظ نظری نظام شهروندی همه شهروندان به لحاظ حقوق را برابر می‌انگارد و در همه احوال دست‌اندرکاران حکومت باید این حقیقت را مورد توجه قرار دهند، زیرا در صورت عدم توجه باید پاسخگو باشند. حکومت پاسخگو ثمره نظام شهروندی است.^۵

رنه کاپیتان اقتصاددان نامدار فرانسوی می‌گوید: «مشارکت عبارت است از اقدام انفرادی یک شهروند به عنوان عضوی از جماعت مردم، لذا می‌بینیم تا چه حد امر شهروندی با امر تعلق به جماعت و توده مردم ربط وثیق دارد. مشارکت فرد این تعلقات را در عین حال، هم تصویب می‌کند و هم متوجه و برآیند آن است.»^۶

ضعف تاریخی مدنی فقط در سایه مشارکت فعال مردم درمان می‌گردد. الگوهای نظامهای سیاسی گوناگون قادر است جامعه مدنی را در حالت جنینی نگه داشته و از توانمند شدن آن جلوگیری نماید. از نخستین ثمرات تقویت جامعه مدنی، ظهور شهروندی است که پایه و اساس شکل‌گیری شهرهای شهروندمدار محسوب می‌شود.^۷

با توجه به مباحث مطروحه درباره حقوق اجتماعی و شهروندی می‌توان حقوق اجتماعی شهروند را مجموعه حقوقی دانست که افراد یک جامعه در رابطه با مؤسسات عمومی و رسمی اداره امور کشور از آن برخوردار می‌گردند. دامنه مفهوم حقوق اجتماعی دارای ابعاد سیاسی، مدنی، اداری، فرهنگی، اقتصادی و قضایی است که در قالب نظام قوانین جامعه به خصوص قانون اساسی مطرح می‌شود. در این نوشتار تلاش می‌شود حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گیرد.

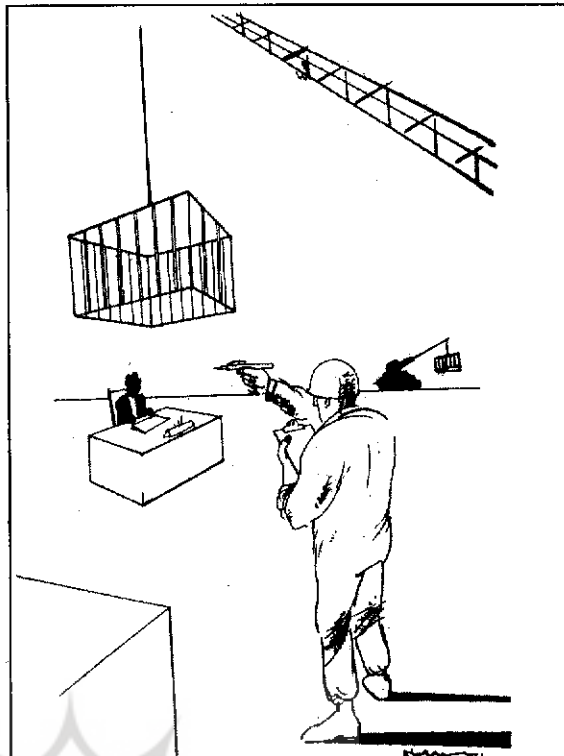
۱- حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان

در بند ششم اصل سوم قانون اساسی «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و در بند هفتم این اصل «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی» و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات جهت «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش» به عنوان تکالیف مهم دولت و حکومت از جمله مواردی

۵- پیران، همان، ص ۴۸.

۶- آلن دوبنوا، «نظام تربیت شهروندی»، ترجمه بزرگ نادرزاده، ماهنامه کلک، ش ۹۳، ص ۵۰.

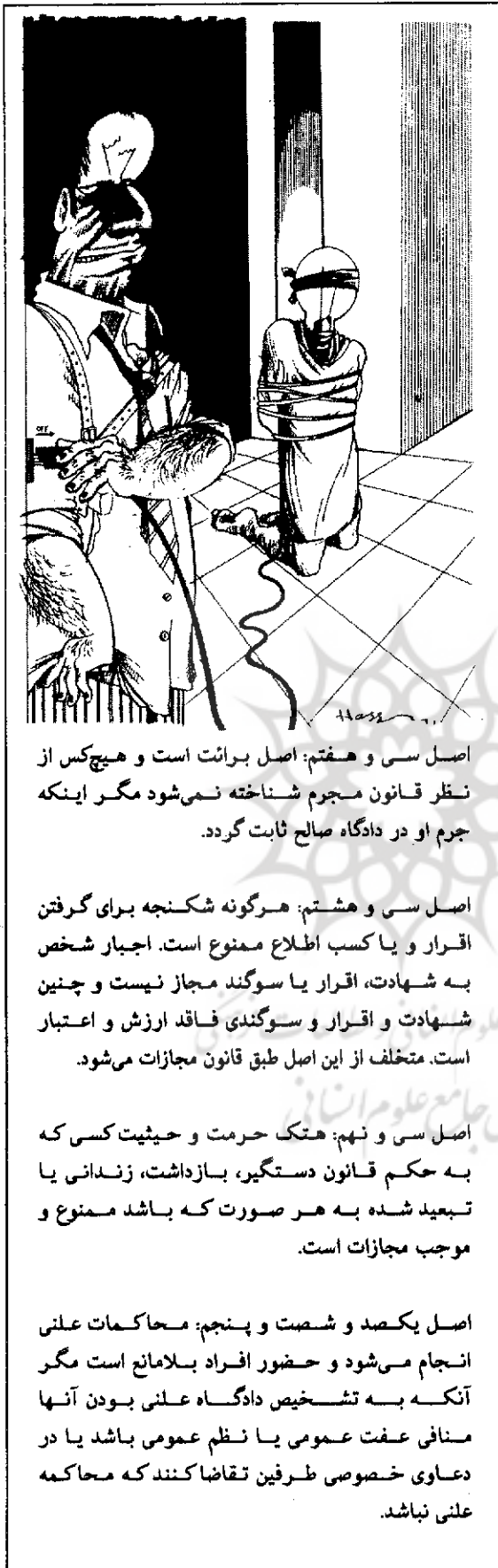
۷- پیران، همان، ص ۲۷.



اصل سی و دوم: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و چهارم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم: در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.



اصل سی و هفتم: اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل یکصد و شصت و پنجم: محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آنها منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

است که قانونگذار بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را ترسیم نموده است. عدم سلب آزادیهای مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور یا استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تأکید قانونگذار در اصل نهم قانون اساسی است.

در اصل هشتم قانون اساسی بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکلیف متقابل دولت و مردم تأکید شده است. ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مؤاخذه به دلیل عقیده (اصل ۲۳)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هرگونه تجسس (اصل ۲۵)، آزادی احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی (اصل ۲۶)، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصل ۲۷) از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد.

۲- حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

حق انتخاب شغل و امکان انتخاب شغل (اصل ۲۸)، دارا بودن مسکن متناسب (اصل ۳۱) و مصونیت شغل و مسکن از تعرض، حرمت مالکیت شخصی (اصول ۴۶ و ۴۷) و برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) از جمله مواردی است که قانونگذار به عنوان حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی لحاظ کرده است.

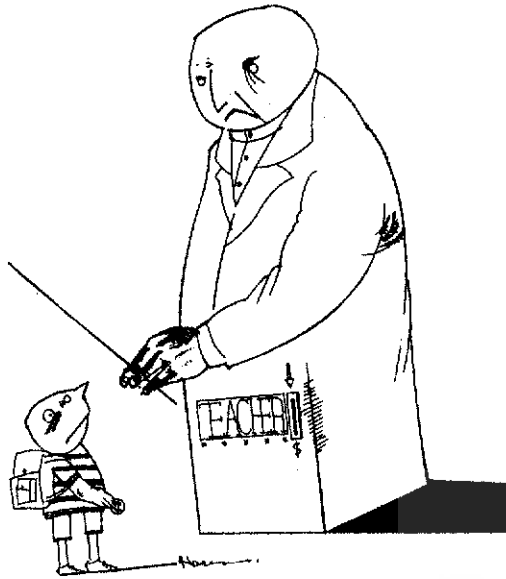
۳- حقوق قضایی

هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضایی شهروندان تخصیص داده شده است. اصول ۲۲، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ حقوق قضایی شهروندان را تبیین نموده است. هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه است. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی بر «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه» برای همه و «تساوی عمومی در برابر قانون»، تصریح شده است. عطف به ماسبق نشدن قانون (اصل ۱۶۹)، اصل برائت (اصل ۳۷)، اصل تأمین قضایی (اصل ۳۲)، اصل استفاده از حق وکیل (اصل ۳۵)، اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارباب (اصل ۳۸)، اصل علنی بودن دادرسی (اصل ۱۶۵)، اصل «حق مسلم دادخواهی» (اصل ۳۴)، از جمله حقوق قضایی شهروندی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۴- حقوق فرهنگی

گرچه در اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه ابعاد حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام را به عنوان سیاست محوری حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده است، اما در اصول اختصاصی جزئیات حقوق فرهنگی به طور آشکار مورد بحث قرار نگرفته است. از جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی، دادن حق استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و در رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام مختلف ساکن در ایران است. همچنین بند سوم اصل سوم قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی، برای همه در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی تأکید ورزیده است.

بر همگانی ساختن آموزش و رایگان کردن آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه و گسترش آموزشهای دانشگاهی به طور رایگان با رعایت امکانات در اصل سی‌ام قانون اساسی تأکید شده است. (اصل ۳۰)



نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر حقوق کلی و اساسی و حقوق اجتماعی است. تساوی حقوقی مردم ایران از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبان (اصل ۱۹)، تساوی زنان و مردان در حمایت از قانون (اصل ۲)، مصون بودن حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل از تعرض (اصل ۲۲)، از جمله اصول تصریح شده در حقوق اساسی مردم ایران می‌باشد. اصل چهارم برای حفظ حقوق جامعه و منافع عمومی، چگونگی تعامل بین حقوق شخصی افراد با «حقوق عمومی» را مشخص نموده است. این اصل نیز از کلیت و شمول برای عموم مردم برخوردار است.

اصل سوم که وظایف دولت به منظور تحقق اهداف نظام را ترسیم می‌نماید در بردارنده حقوق شهروندی در ابعادی چون ارتقای آگاهیهای عمومی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، تسهیل ورود به آموزش عالی و تعمیم و همگانی ساختن آن، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ایجاد امکانات عادلانه در ابعاد مادی و معنوی و محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی است.

اصل پانزدهم: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات، و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل بیست و سوم: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و پنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی‌ام: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

حقوق اجتماعی شهروندان، مشتمل بر ابعاد سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و رفاه اجتماعی، قضایی و فرهنگی ترسیم شده است که در سطور پیشین جزئیات آن مورد بررسی قرار گرفت.

در جمع‌بندی مبحث با مرور اصول قانون اساسی و حقوق شهروندان می‌توان سه دسته اصول را از یکدیگر متمایز ساخت: دسته اول مجموعه اصولی است که بدون هیچ‌گونه قید و شرط، به‌عنوان «حق» اعضای جامعه مورد تأکید واقع شده است. شانزده اصل از قانون اساسی در این دسته قرار می‌گیرند. مانع اصلی حقوقی تحقق بیشتر قوانین مذکور در این نکته است که پیش‌بینی لازم جهت برخورد قانونی با اشخاص و دستگاههایی که از اجرای این اصول ممانعت به‌عمل می‌آورند به‌عمل نیامده است. مانع دیگر در این مسیر تفسیر قوانین در مورد واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار رفته در قوانین می‌باشد که در عمل حتی دایره‌های جدیدی از قوانین را باز می‌نماید. نمونه بارز این موضوع آموزش و پرورش رایگان و ایجاد مدارس غیرانتفاعی در جامعه می‌باشد.

دسته دوم شامل مجموعه اصولی است که در متن آنها قیدها و محدودیت‌ها نیز مشخص شده است. تعداد این قوانین شش اصل می‌باشد. اصول ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳ و ۴۷ در شمار این دسته‌اند. مانع مهم تحقق اصول مذکور در این نکته است که مرجع تشخیص شروط این اصول که این نهاد و دستگاه یا ارگان است؟ آیا دستگاه قضایی مسئولیت این امر را به‌عهده دارد یا دستگاههای اجرایی با صلاحدید و مصلحت‌های مسؤولان و مدیران شروط را تشخیص می‌دهند. مانع دیگر، تعبیر و تفسیرهای متفاوتی است که از این اصول می‌توان به‌عمل آورد.

دسته سوم قوانینی است که ناظر بر حقوق مشروط شهروندان است. شروط اساسی در این دسته قوانین عبارت‌اند از: عدم اخلاق به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی و وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران.

چالش مهم تحقق این دسته اصول قانون اساسی، نامشخص بودن دستگاههای قانونی جهت تعیین حدود قانونی و کلی بودن شروطی است که قانونگذار در نظر گرفته است.

در مجموع مشخص کردن حقوق شهروندان در متون قانون اساسی و قوانین عادی در دو قرن اخیر در جامعه ایران را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد. اما نکته مهم اجرای قانون در عمل از سوی

دستگاههای اجرایی (دولت) و دستگاههای انتظامی و قضایی است. استیفای حقوق شهروندان سازوکار و ابزارهای خاص خود را طلب می‌کند، به‌طوری که هر شهروندی که حقوق او پایمال شده است، بتواند علیه مقامات اجرایی شکایت نماید و نظام قضایی نیز با استفاده از ابزارهای لازم، حقوق از دست رفته شهروند را به او بازگرداند. به بیان دیگر نظام قضایی باید زمینه‌های لازم تحقق اجرای حقوق شهروندی را در همه ابعاد فراهم کند و مدعی‌العموم دغدغه آن را داشته باشد که حقوق شهروندان پایمال نگردد. پیشنهاد آخر اینکه ایجاد دادگاه مستقل قانون اساسی جدای از جریانات سیاسی از ابزارهای مهم تحقق کامل قانون اساسی به‌طور عام و حقوق شهروندی به‌طور خاص می‌باشد. امید است مسؤولان عرصه اجتماع، سیاست و حقوق در جامعه با بررسی پیشنهاد مذکور و انجام فعالیت کارشناسانه جهت تشکیل دادگاه مستقل قانون اساسی قدم مؤثری در اجرای قانون اساسی و استیفای حقوق شهروندی بردارند.

منابع

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر. فرهنگ دو زبانه انگلیسی - فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، (۱۳۷۵).
- پیران، پرویز. مقاله شهر، «شهروندمدار»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (۱۳۷۶).
- دو بنوا، آلن. «نظام تربیت شهروند»، ترجمه بزرگ نادرزاده، ماهنامه کک، شماره ۹۳.
- صدری افشار، غلامحسین. فرهنگ فارسی امروز، تهران، نشر کلمه، (۱۳۶۹).
- قادری، حاتم. مقاله شهر، «شهروند خوب انسان خوب»، مجله پیام آبادگران، شماره ۹، (۱۳۷۹).
- معین، محمد. فرهنگ فارسی، انتشارات سرایش.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۸).



کاریکاتورهای این مقاله اثر هنرمند خوش‌ذوق حسن کریم‌زاده، برگرفته از کتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر از انتشارات نشر کوچک است. با تشکر از ناشر محترم ک-اب که تلفنی اجازه استفاده از این کاریکاتورها را دادند.